

اگر به همه بگویند شما در آزمون شرکت نکردید اما رزومه را به ما بدهید، از همه بگیرند و بگویند این چند نفر رزومه علمی شان توجه ما را جلب نکرد اما ده نفر خوبند پس آنها را بپذیریم اتفاقا عادلانه است. اما اگر بگوییم سه نفر را می‌دانیم که خوب هستند اینجا باید اعتراض کرد

سکوت سخنگوی شورای نگهبان شکست



سخنگوی شورای نگهبان با پایان یافتن انتخابات مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری، سکوت خود را پیرامون اتفاقات اخیر شکست.

به گزارش اسپادانا خبر، گفت‌وگوی روزنامه «اعتماد» با نجات‌آ ابراهیمیان را در ادامه می‌خوانید:

* سال گذشته در همین زمان مصاحبه‌ای با شما داشتیم. زمانی که هنوز خبری از هیاهوهای انتخاباتی نبود. شما آن روز از عملکرد شورای نگهبان دفاع کردید و حتی رد صلاحیت‌ها و شیوه احراز آن را به نوعی عمل به قانون دانستید. از آن روز یک سال می‌گذرد. با عملکردی که در چند وقت اخیر از این نهاد نظارتی دیده‌اید، آیا همچنان بر نظر سابق خود پایبند هستید یا خیر؟

اینگونه سوالات و تحلیل‌ها متوجه دو مرحله است. اول جایگاه حقوقی شورای نگهبان و نقشی که این نهاد در ساختار قانونگذاری و نظام انتخاباتی ایران دارد. این جایگاه و سوال مربوط می‌شود به مسائلی از قبیل نظارت استصوابی، مفهوم نظارت استصوابی تحقیقات محلی که از مسائل رایج و بحث برانگیز حقوقی مربوط به شورای نگهبان است. یعنی شورای نگهبان در آیین قانون اساسی. به این معنا که آیا این بدنه قواعد و مجموعه مفاهیم را یک موثر و کارآمد می‌دانیم یا خیر؟ این یک مرحله است برخی از جواب‌هایی که در گذشته به شما داده بودم در این مرحله بود. شاید نیازی به تجربه هم نداشت بلکه با نگاهی به مقررات و قوانین کافی بود که یک حقوقدان بگوید که این قواعد، کارآمد و موثر و مفید هستند یا خیر؟ مرحله دوم آنچه که در عمل می‌گذرد، است. یعنی آیا این قوانین که شما از آن دفاع می‌کنید نظارت استصوابی تحقیقات محلی و امثال آن در اجرا و عمل و در بستر قانون انتخابات فعلی همان‌گونه که قانون اساسی مقرر کرده بخوبی پیش می‌رود و اجرا می‌شود یا نه؟ اینها دو مساله است. ما در گذشته و شاید سال‌ها و ماه‌های گذشته در مورد مسائل اول بحث کردیم هنوز هم به نظر می‌رسد که جایگاه شورای نگهبان چه در مقام تقنین و چه در مقام یک داور و ناظر انتخاباتی جایگاه برجسته‌ای است و قانون اساسی بخوبی طراحی را برای پاسداری از جمهوریت نظام طراحی کرده و من از این جایگاه حمایت می‌کنم و آن را برجسته می‌دانم و تضعیف این جایگاه و شورای نگهبان را به هیچ‌وجه تجویز نمی‌کنم و کماکان بر همان نظرم هستم. برویم سراغ مرحله دوم آیا قانون خوب اجرا می‌شود؟ آیا از این قانون و مقررات خوب مثل نظارت استصوابی مفهوم صحیحی نزد مجریان وجود دارد؟ ابزار مناسبی که آن را به نحوی اجرا کنند که سبب تضییع حق الناس نشود در اختیار داریم یا نه؟ افراد چه توانایی‌های لازم را دارند تا عهده‌دار اجرای این قوانین باشند؟ تجهیزات و زمان که شورای نگهبان در اختیار دارد مهبای انجام وظیفه در عیاری که قانون اساسی طراحی کرده هستند؟ شورای نگهبان می‌تواند به خوبی مطابق قانون وظایف را انجام دهد؟ سازماندهی خوبی دارد؟ این یک مساله‌ای بود که باید با تجربه جوابش حاصل می‌آمد.

* سوال من هم متوجه همین قسمت است ...

با این تجربه به نظر می‌رسد که شورای نگهبان داور خوب انتخاباتی می‌تواند باشد و نظارت استصوابی هم خوب است اما قوانین انتخاباتی ما بسیار ناقص است. به عنوان یک عضو حقوقدان شورای نگهبان می‌گویم، ممکن است همکاران دیگر آن را قبول نداشته باشند ولی من نسبت به این نظرات فعلا پافشاری می‌کنم. به نظرم برای اعمال نظارت انتخاباتی آنچه که

حساسیت برانگیز در جامعه است بررسی صلاحیت‌ها است که ما به یک سازماندهی کارآمد و موثر نیاز داریم و فعلا این سازماندهی را نداریم. یعنی نیازمند یک ساختاری شبیه دادگاه انتخاباتی هستیم. نیازمند مجموعه قواعد دادرسی هستیم که باید منقح بشود و در قالب مقررات روشن به اطلاع همه بازیگران صحنه انتخابات برسد البته قبل از آن باید مجال مباحثه مسائل فوق هم فراهم شود. برای مثال در مورد بررسی صلاحیت‌ها شما همیشه از من سوال می‌کردید یا خیلی‌ها انتقاد می‌کردند که تحقیقات محلی چرا و چگونه است؟ من از متن قانون استخراج می‌کردم که اشکالی بر اجرای آن وارد نیست. ولی نمی‌دانستم چقدر مفید است. آیا از نهادهای امنیتی متفاوت غیر از وزارت اطلاعات سوالی بکنند خوب است یا نه دخالت بی‌جا تلقی می‌شود؟ این را در عمل نمی‌دانستم امروز می‌گویم که مفید است. اما وقتی مفید است که شما مجال و تخصص دادرسی انتخاباتی را براساس داده‌ها و عناصر مختلفی که وارد پرونده می‌شوند داشته باشید. ممکن است در هیات‌های اجرایی گفته شود این فرد صلاحیت ندارد چون سو شهرت دارد و التزام ندارد و مواردی دیگر. تحقیقات محلی از عده‌ای سوال می‌کنند آنها چیز دیگری می‌گویند از سازمان اطلاعات سپاه سوال می‌کنند و آنها چیز دیگری می‌گویند وزارت اطلاعات هم چیز دیگری را مطرح می‌کند. این مجموعه اگر قرار باشد به صورت ضرب جبری باشد، یعنی ۵ تا مثبت باشد با یک منفی همه گزارشات خراب شود این سبب تضییع حقوق مردم است. مثبت در مثبت مثبت، صدمه هم در هم ضرب کنید می‌شود مثبت اما یک منفی که در آن ضرب کنید می‌شود منفی. این نگاه یک نگاه غیرتخصصی است. داور و متخصص باید همه اینها را سبک و سنگین کند مجال تحقیق، دفاع و اظهارنظر به آن داوطلب بدهد و با چنین نگاهی مثل هیات منصفه بیندیشد و در وجدان خود این اقعاع را حاصل کند که این فرد واجد شرایط هست یا خیر؟ در یک عملیات فست فودی و سریع به دلیل ضیق وقت قانونی متأسفانه مجال کافی پیش بینی نشده و چون آیین دادرسی ویژه‌ای بیان نشده احتمال تضییع حقوق مردم می‌رود.

* آیا این حق الناس نیست؟

بله. احتمال تضییع حق الناس هست یا خیر، در جواب می‌گویم بله این احتمال وجود دارد. اما همه آن تقصیر شورای نگهبان نیست. اینکه می‌گویم همه نیست چون باید گزارش صادقانه‌ای از عملکرد خود بدهم. علت این است که قانون ناقص است. در ۲۰ روز شما نمی‌توانید شش هزار شکایت را بر اساس گزارش‌های ناقص موجود رسیدگی کنید. قانون می‌گوید باید به فرد فرصت بدهید که اظهارات و دفاعیات را نزد شما مطرح کند. اگر قرار بود هزار نفر هم می‌آمدند و اعتراض می‌کردند شما فرصت رسیدگی به بقیه را پیدا نمی‌کردید. بنابراین یک بخش از نقص این کار قانون است.

* این احتمال را در نشست‌های خبری می‌دادید که ممکن است یک مشارکت حداکثری ایجاد شود. بعضی از گروه‌های سیاسی هم از مدت‌ها قبل طراحی کرده بودند که پررنگ در عرصه حاضر شوند چون نگران رد صلاحیت‌ها بودند چرا این فضا مهیا نشد؟

به نظرم کار ما نواقصی داشت و این کار زیر نظر دبیر محترم شورای نگهبان و معاونت اجرایی و انتخابات صورت می‌گرفت و همه اعضای شورای نگهبان در این امر دخالت ندارند. یعنی این برنامه‌ریزی تشکیل جلسات و امثال آن زیر نظر دبیر شورای نگهبان انجام می‌شود. بنابراین اگر انتقادی داشته باشم انتقاد به شورای نگهبان نیست چون بسیاری از این اعضا با وجود کهولت سن و مشکلاتی که داشتند وقتی به آنها می‌گفتند که حاضر شوید در نخستین ساعات حاضر می‌شدند و با درد و رنج و ناراحتی تا دیروقت کار می‌کردند. اما سازماندهی به نظر می‌رسد که به نحوه مطلوبی صورت نگرفته است.

* مساله نقص قانون انتخابات چرا باید تنها از سوی شما به عنوان حقوقدان این شورا مطرح شود؟ فقهای شورای نگهبان همیشه بر همین قانون تاکید داشتند و هیچ‌وقت هم نگفتند که نقصی وجود دارد. همیشه حمایت کردند و این قانون را پشتوانه تمام کارهایی که انجام می‌دهند و حتی تمام صلاحیت‌هایی که رد می‌کنند دانسته‌اند. به نظر می‌رسد برخی در این شورا خیلی موافق این شیوه اجرای قانون و مواد قانونی هستند.

من با این موافق نیستم. اولاً شورای نگهبان و هر مجری و هر قاضی موظف است قانون را اجرا و از آن حمایت کند. بنابراین اینکه شورای نگهبان مستند خود را همین قوانین قرار می‌دهد و می‌گوید همین قوانین ولو ناقص باید اجرا شود این حرف خوبی است. این مطابق با قواعد حرفه است. همین‌گونه باید باشد. منتها اینکه آیا بقیه اعضا هم انتقادی دارند، به نظرم دارند. اگر نزد تک تک اعضای شورای نگهبان بروید آنها هم انتقاد دارند. اما قبلاً هم گفتم در ایران ابتکار قانونگذاری به دست شورای نگهبان نیست. بهتر است سوال را اینگونه مطرح کنیم چرا دولت‌ها و مجالس مختلف به فکر اصلاح قانون انتخابات نیستند. یک طرح جامعی بدهند مشکلات را بررسی کنند. هیاهو سالاری و عوام‌گرایی در مسائل حقوقی و قوانین و مقررات در سطح رسانه‌ها به ما ضرر می‌زند. اینقدر در بحث مربوط به انتخابات روی بد بودن نظارت استصوابی تکیه کردند که حتی حاضر نیستند در مورد مفهوم نظارت استصوابی کار کنند. کدام یک از رسانه‌ها و ستون نویس‌های حرفه‌ای رفتند و ببینند که نظارت استصوابی به چه معناست آیا طرز تلقی از نظارت استصوابی غلط نیست؟ حالا که نظارت استصوابی جزئی از قانون اساسی است این خصومت بعضی از ما وقت‌ها مانع از این می‌شود به عنوان حقیقت این نظارت را بپذیریم. اما چطور می‌شود که آن را بهتر اجرا کنیم که حق مردم حفظ شود مغفول میماند. اینقدر بعضی از ماها درگیر سوال اول یعنی مخالفت با نظارت استصوابی هستیم که الان که اگر مجلس چپ یک قانون در مورد انتخابات بنویسد بسیاری از مفاهیم و نظارت استصوابی را بلد نیستند چون فرصت مذاقه را روی آن پیدا نکردند. به عنوان یک حقوقدان می‌گویم این نظارت استصوابی اگر خوب طراحی شود یک شبه محکمه‌ای برای اعمال آن پیش بینی شود بخوبی می‌تواند از حقوق ملت دفاع کند، از اسلامیت نظام و همینطور جمهوریت نظام دفاع کند. آنجایی که عناصر ثروت و قدرت می‌خواهند به دستگاه قانون نفوذ پیدا کنند جلوگیری شود و در عین حال به خاطر سلیقه‌های سیاسی کسی رد نشود. اینها نیاز به مذاقه دارد. نیاز دارد که ما دل بدهیم و ببینیم که چگونه باید اجرا شود. نظارت استصوابی نزد برخی از منتقدین مساوی است با نظارت دلخواهی. همه با نظارت دلخواهی مخالف هستند من هم مخالفم. شدیداً. اما نباید نظارت استصوابی را اجازه دهیم تعبیر شود و معنا شود به نظارت دلخواهی. قانون این را نمی‌گوید. نظارت استصوابی کنترل و ارزیابی اجرای قوانین انتخاباتی است. این را در جاهای دیگر ممکن است دادگاه انتخاباتی انجام دهد. ما باید به پیچیدگی‌های حقوقی بدون ورود به غوغا سالاری و هیاهو بپردازیم. یک طرح یا لایحه قانونی به کمک

متخصصین آن را پیروانیم و قانون انتخابات را اصلاح کنیم. این ضرورت را اکثریت اعضا احساس می‌کنند. چرا دولت و مجلس این کار را نمی‌کنند. به یک نفر گفتند که رفتی جبهه نبرد، جهاد کردی؟ گفت: دستم بند بود یک دستم شمشیر بود و دست دیگر قرآن، نشد. هیجان، هیاهو، دعوای پس از یک انتخابات معمولا ۴ سال طول می‌کشد و کسانی که وارد دولت و مجلس می‌شوند با پرداختن به برخی از حواشی سوالات اساسی مربوط به کشور را که می‌تواند امنیت و آرامش و وفاق ملی برای ایران به ارمغان بیاورد را فراموش می‌کنند.

* نظارت شورا چرا همیشه با رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان همراه است و هیچ‌گاه هیچ اصولگرایی دغدغه‌ای برای تایید صلاحیت ندارند؟

یک قسمت از این مساله به خود جناح سیاسی مربوط است. شما وقتی که قواعد مربوط به رفتار سیاسی را جوری تعریف کنید که یک چتر بزرگ باز می‌کنید، باید منتظر چنین برخوردهایی هم باشید. به سلیقه بعضی از ما یک تیم برای رسیدن به قله کوه باید تست بدهند. از این تعداد ممکن است چند نفر در راه بمانند و بقیه به قله برسند. موقع رای دادن هم وقتی تعداد زیادی را دعوت نکرده باشیم موقع رای دادن ممکن است با مشکل جدی روبه‌رو شویم. اما ممکن است برخی گروه‌های سیاسی چتر خود را چنان گسترده باز کنند که از معتقدین و مقدسین در آن باشند تا افرادی که مبالاتی در انجام برخی امور نداشته باشند. یعنی یک گروه بزرگی را زیر چتر خود ببرند. این کار یک فایده دارد. تعداد زیادی از آن گروه رای مردمی را با خود دارند. اما این فایده یک هزینه هم دارد. هزینه‌اش بازماندن تعداد زیادی از رسیدن به مقصد است. ممکن است گروهی دست و پا شکسته و با لشکر شکست خورده به مقصد برسد. بخشی از رصلاحیت‌ها به این دلیل است که برخی از گروه‌های سیاسی دقت کافی را در معرفی و حتی مراقبت از نیروهای نخبه خود ندارند. باید این مراقبت را بکنند و اشخاص قوی و توانا و خوش سابقه معرفی شوند.

* آیا این حساسیت ممکن است در شورای نگهبان نسبت به جناح خاصی وجود داشته باشد؟

من تازه از کارزار درآمد. اجازه دهید مقداری فاصله بگیرم و در مورد این هم بعدا بتوانم صادقانه و آگاهانه داوری کنم که آیا حساسیت به یک جناح وجود دارد یا نه. بسیاری از اعضای شورای نگهبان این حساسیت را ندارند. یعنی من اسم‌هایی در ذهنم هست که کسانی برای تایید کاندیداها امضا کردند که خود آن دوستان اصلاح‌طلب هم باور نمی‌کنند. اما پرونده انتخاباتی پرونده‌ای نیست که من ابراهیمیان یا هر فرد دیگری آن را از اول تا آخر نوشته باشیم. در داوری و قضاوت هم اینگونه است. باید دید این مجموعه و ساختار که تحت مدیریت داریم مثل ما بدون حساسیت به گروه‌های سیاسی نگاه می‌کنند یا خیر؟ کسانی که این پرونده را می‌سازند هم آیا همین مقدار بی‌طرفی را دارند یا خیر. این را باید یک بررسی عمیق‌تری بکنیم. چرا؟ چون به خاطر وجود یک نقص در مقررات داخلی شورای نگهبان به عنوان اعضا دخالتی در تعیین کنترل و نظارت این شبکه نداریم. من آنها را نمی‌شناسم. نمی‌دانم چه کسانی این شهادت‌ها را می‌دهند. دبیر شورای نگهبان و نهایتا معاون اجرایی ایشان که منتخب اعضای شورا نیست بر این شبکه نظارتی که بخشی از اطلاعات را به ما می‌دهند نظارت دارند. بخشی از آن هم از وزارت اطلاعات می‌آید که در دولت‌های مختلف ممکن است دستخوش سلیق متفاوت بشوند.

چون من شناختی بر آن ساختار ندارم نظرات ویژه‌ای دارم. البته کارهای اجرایی را نمی‌شود به دوازده نفر داد. اما می‌شد برای دوازده نفر یک حق کنترل، استصواب و استیضاح نسبت به شبکه تحت امر قائل شد. این در مقررات داخلی ما پیش بینی نشده است. لذا این بخشی از رویه‌هایی است که مورد انتقاد بنده است. و ان‌شاءاً شورای نگهبان که یک مجموعه پویا و رو به جلو است این نواقص را حل کند تا در جهت حفظ حقوق الناس با اطمینان بیشتری عمل کنیم. وقتی این گزارشات را می‌خوانم اگر وزارت اطلاعات بگوید کاندیدایی گرایش‌های قوم‌گرایانه‌ای دارد اول می‌پرسم مستندات چیست؟ ممکن است بگویند شهادت دو نفر شاهد. اما شاید آن اسناد معارضی داشته باشد. اگر سازمان اطلاعات سپاه اعلام کند یک نفر ملتزم به شرع نیست حتما از او سوال خواهیم کرد که مستندات شما چیست. از داوطلب هم می‌خواهم که از خود دفاع کند. بعد مانند یک داور بی‌طرف ارزیابی می‌کنم اگر برایم قناعت وجدانی حاصل شود تایید می‌کنم. اما این عوامل مختلف را تسلطی بر آنها ندارم. در دعاوی حقوقی گفتند که اگر از ضابطین دادگستری استفاده می‌کنید دادستان حق دادن تعلیمات را به آنها دارد. من وسیله‌ای برای دادن تعلیمات به کسانی که این پرونده‌ها را تهیه می‌کنند ندارم و بخشی از قانون هم در رویه شاید خوب اجرا نمی‌شود. مثلا قانون می‌گوید نظر وزارت اطلاعات در مورد داوطلبان باید مستند باشد. بگوید که از کجا این نظر را دارم. خب از قدیم به نظرم می‌رسد برخی از نظرات مستند نبوده است. ما باید این رویه‌ها را در آینده اصلاح کنیم. لذا باید به عنوان سازمان داوری و قضاوتی همه جهات را ببینیم. فردی که پرونده انتخاباتی را رسیدگی می‌کند باید این مهارت را کسب کند. کسی که این مهارت را ندارد ممکن است بتواند در بقیه قابلیت‌های لازم برای شورای نگهبان بدرخشند اما موقع بررسی در موسم انتخابات توانایی ارزیابی پرونده را نداشته باشد. اینها را باید توجه کرد. اگر فرصت داشته باشم ممکن است همتم را معطوف این امور کنم.

* باز هم در این دوره مشکلات زیادی را شاهد بوده‌ایم. هرچند تعداد زیادی از نیروهای سیاسی برای ورود به انتخابات ثبت نام کردند ولی تعداد زیادی رد صلاحیت شدند. مساله ۴ نهاد نظارتی که در قانون آمده مشکل کاندیداها را رد صلاحیت شده نیست. مساله دخالت نهادهای دیگر در روند تایید صلاحیت‌هاست. در این دوره از انتخابات حقوقدانان شورای نگهبان برای اجرای دقیق قانون یعنی بسنده کردن به همان ۴ نهاد قانونی چه اقداماتی انجام دادند و ورود نهاد دیگری در این انتخابات آیا در حد استعلام بوده یا نه نظراتی که داده می‌شد باید حتما اجرایی می‌شد؟

شورای نگهبان هیچ تکلیف قانونی برای اینکه از نظر کسی تبعیت کند ندارد. بنابراین باید با احترام از این جایگاه یاد شود. من به عنوان عضو شورای نگهبان بسیاری از این نظرات را کنار گذاشتم چون مستند نبود. قبول نکردم چون اقلیت‌کننده نبود. اما شما وقتی دوازده نفر دارید و این تعداد در یک فرصت کم دنبال یک تکیه‌گاه هستند که به اعتماد او بتوانند یک داوری عادلانه

کنند بر اساس تربیت و شیوه زندگی و مشاوران و اطرافیان شان هر کدام از آنها ممکن است به یک جایی و کسی و یک استعلام خاصی تکیه داشته باشند. این را نیمی توان گفت که یک فردی به شما دستور می‌دهد و شما اجرا می‌کنید. شما وقتی به دستگاهی برای تحقیق در مورد قتلی دستور می‌دهید می‌توانید فردی مورد وثوق را برای این کار انتخاب کنید. در شورای نگهبان هم این احتمال وجود دارد و من مشاهده کردم که ممکن است اعضای شورای نگهبان دلبستگی و اعتماد ویژه‌ای به برخی از این مراجع ۴ گانه که نه، چند گانه داشته باشند. چون یکی خود سیستم تحقیقات شورای نگهبان است. ممکن است حفاظت اطلاعات دستگاه‌های مختلف، حراست دستگاه‌های مختلف سوال کنند و اطلاعاتی را از آنان کسب کنند که خیلی‌ها هم راهگشا بوده است. از سازمان اطلاعات سپاه ممکن است سوال کنند اما اینکه برای ما کدام یک از اینها اطمینان آور است من به عنوان قاضی همه را کنار هم می‌گذارم و سبک و سنگین می‌کنم بعضی‌ها را هم حتی کنار می‌گذارم و توجهی نمی‌کنم ولی ممکن است برخی از اعضای دیگر به خاطر نوع سلوک و رفتارشان و سابقه همکاری با دستگاه‌های مختلف گرایش و اطمینان بیشتری به یکی از این دستگاه‌ها داشته باشند. این را نفی نمی‌کنم و توصیه می‌کنم از خودشان سوال کنید. من در مورد آنها صحبتی نکنم.

* پس چنین موضوعی وجود دارد؟

این نکته را بگویم که احترام شورای نگهبان را باید همه ما حفظ کنیم. هیچ نهادی نمی‌تواند دستور بدهد. اما اگر من از وزارت اطلاعات، سپاه یا شبکه نظارتی خود سه گزارش داشته باشم همه را به صورت فنی بررسی می‌کنم. ممکن است هر سه غلط و مغرضانه باشد و ممکن است برخی درست باشد. آنجاست که برای ما اطمینان حاصل می‌شود که درست است اما جاهایی ممکن است برای برخی از همکاران من اینگونه نباشد مثلاً دو تا از این نهادها برایشان تعیین‌کننده باشد. یعنی سابقه و اعتمادشان به گونه‌ای باشد که آنها را درست بدانند اما من آن اعتماد و سابقه را ندارم. یعنی همه را بی‌طرفانه و براساس ضوابطی که موجود است در حدی که وقت به من اجازه می‌داد، بررسی می‌کردم. متأسفانه مساله بررسی صلاحیت‌ها برای من خاطره خوبی نیست. هزار پرونده را در بیست روز بررسی می‌کردیم. نوع سازماندهی شورا طوری بود که ۵ روز هم از دست ما رفت. حدود ۱۵ روز وقت داشتم به کمک اعضای دیگر کار کارشناسی هزار پرونده را انجام دهیم. کار طاقت فرسایی است من از کار خودم راضی نیستم چرا که هرچقدر زمان کمتر باشد شما باید سرعت بیشتری داشته باشید. تجربه و علم نشان می‌دهد که کثرت کار ریسک اشتباه و خطا را بالا می‌برد. حداقل یک سال زمان نیاز است برای بررسی صلاحیت‌ها. نه فقط ۲۰ روز. حالا که قرار است غیر از مدرک تحصیلی و سن و سوابق قضایی راجع به اعتقادات، التزام و تدین مردم هم داوری کنیم در بیست روز ممکن نیست. این را باید قانون لحاظ کند. نمایندگان بجای رسیدن به حواشی به سراغ سازماندهی این امر بروند. بعضی از امور در ۴ سال و ۸ سال شدنی نیست. من مخالفم که به کلیات ناشدنی پردازند. من یک سیاستمدار نیستم یک حقوقدان انقلابی هستم. می‌دانم که برای نظام دینی کنترل افرادی که می‌خواهند سمتی را به دست بگیرند از حیث تدین و التزام لازم است بدون اینکه بخواهیم دادگاه تفتیش عقاید راه بیندازیم.

باید ظهور و بروز ظاهری یک رفتار داوطلب شایسته نظام اسلامی باشد. درست نیست با این ادعا که در نظارت استصوابی بد عمل می‌شود با اصل آن مخالفت کنیم. برای اعتراض به اصل نظارت ممکن است دوره ۴ ساله نمایندگی هدر رود اما اگر این کیاست را داشته باشیم و قبول کنیم که نظارت یا اجرا باید بخوبی سازماندهی شود، آن را تعریف می‌کنیم و مرزهای آن را مشخص می‌کنیم آنگاه نظارت استصوابی نظارت مبتنی بر تلقیات یا سلیقه‌های شخصی به سمت نظارت سازماندهی شده و انضباطی بیشتر خواهد رفت.

* تصمیم‌گیری در مورد احراز صلاحیت‌ها از سوی هر ۱۲ عضو شورای نگهبان انجام می‌شود. شش عضو حقوقدان و شش عضو فقیه. می‌توان گفت که از جهتی نظرات شش عضو فقیه بر نظرات حقوقدان‌ها ارجحیت دارد، یا نه شورا برای حقوقدانان خود وزن زیادی قائل است و در تصمیم‌گیری‌های آنها تاثیرگذار نیست و اینکه به عنوان حقوقدان می‌توانند در برابر فقها بایستند و مخالفت کنند؟

همه سوال شما را در این شرایط جواب نمی‌دهم. یک علت فرار کردن از سخنگویی این است که من انقلابی هستم نه سیاسی به معنای کلاسیک و یک انقلابی باید صادق باشد البته حقایق را باید در جای خود مطرح کرد. بنابراین من به بخشی از این سوال جواب می‌دهم. هرگاه پرونده‌ای در هیات دوازده نفره شورای نگهبان مطرح شد هیچ فرقی بین هیچکدام از اعضا نیست. آنجا استدلال حاکم است. در نتیجه هیچ برتری و سلسله مراتب و مواردی که شما اشاره کردید بین اعضای شورای نگهبان جایی که دوازده نفر مداخله می‌کنند در پرونده‌ها وجود نداشته و ندارد. این اختلاف نظر طبیعی است کار شورایی است شاید در رسانه‌ها هم دیده‌اید که من و برخی از همکاران نظرم‌ان با دبیر شورا که یک فقیه است یکی نیست. من بر نظر خودم اصرار می‌کنم. یک جاهایی عقیده دارم درست می‌گویم و آنها اشتباه می‌کنند و پای حرفم هم هستم. این هم طبیعی است. ما باید عادت کنیم در نظام ما حرف‌های مختلف فارغ از موقعیت‌ها زده شود تا یک گفتمان صحیحی پیرامون مسائل حقوقی و سیاسی در کشور در بگیرد و از دور آن نتایجی که باعث شکوفایی زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ما بشود در بیاد. عادت‌های بدی در کشور ما وجود دارد. می‌گویم حرف نزنید با هم بحث نکنید. ممکن است بیگانگان سواستفاده کنند. خب بیگانگان هر روز دارند یاوه می‌گویند ما نمی‌توانیم زندگی خود را بر اساس یاوه گویی دیگران و بدخواهان و دشمنان تنظیم کنیم. آنها همیشه علیه ما حرف می‌زنند. ما زندگی را باید بر اساس نیازهای خودمان تنظیم کنیم. نیاز به مباحثه داریم نیاز به نقد همدیگر داریم. این باید صورت گیرد رسانه‌ها و سیاسیون هم نباید آن را برای جامعه تبدیل به بحران کنند. این یک امر عادی است در زندگی ما. یک روز ممکن است یک فقهی در مورد مساله فقهی و حقوقی اظهار نظر کند که با دیگری مخالف باشد این را تبدیل به یک اختلاف منفی و فاجعه نکنیم. اصحاب رسانه کارشان این است که به درگرفتن گفتمان‌های موثر کمک کنند. اگر آنها وقتی بین دو نماینده مجلس یا عضو شورای نگهبان بحثی در گرفت آن را به فاجعه تبدیل کنند خودشان که ابزار آزادی بیان هستند جلوی ابزار آزادی بیان را گرفته‌اند. این اختلاف نظر وجود دارد طبیعی است در هر نهاد دیگری که مبتنی بر مشاوره است. اگر هم نباشد فایده ندارد. شورای نگهبان یک گروه سرود نیست.

* استعفای شما را می‌توان در قالب همین اختلافات گذاشت. یعنی درست در روزی که نتیجه تایید صلاحیت‌ها به صورت غیررسمی اعلام شده استعفا دادید و خیلی هم پافشاری کردید بر آن. حتی گفتید نیازی نیست که دبیر این شورا بخواهد تایید کند. اصرار شما می‌تواند بیانگر این اختلافات باشد؟

برای اثبات وجود اختلاف نظر، شما لازم نیست دنبال نشانه‌ها و دلایل بگردید. وقتی می‌گویم اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه داریم دلیل دیگری لازم نیست. من اقرار می‌کنم که داریم. و اتفاقا خوب هم هست. اما سازو کار قانونی می‌گوید شما دعوا کنید رای‌گیری کنید اگر یک رای اکثریت را آورد باید تبعیت کنید. از نگاه من طرفداری از شورای نگهبان پایبندی و حفظ انسجام شورا این است که حرف‌های لازم زده شود پافشاری شود و دعوای علمی کنیم و وقتی تصمیم‌گیری شد بگویم سماع و طاعتا. حالا برویم دنبال اجرای این تصمیم. من طرفدار این دیدگاه هستم باید با رعایت مصالح ملی صدها ایمان را گاهی بلند کنیم با هم حرف بزنیم اما وقتی یک نظر در شورای نگهبان مطابق قانون رای آورد اعضا و همه مردم باید احترام بگذرند. این نیاز به جست‌وجوی دلیل ویژه‌ای ندارد. در بحث مربوط به استعفا در مورد شیوه اطلاع‌رسانی و نوع برنامه‌ریزی برای مهیا شدن برای انتخابات و پاسخگویی به مردم و رسانه‌ها اختلاف سلیقه با دبیر شورای نگهبان دارم. که البته طبیعی است. من همچنان پافشاری می‌کنم و سعی می‌کنم مطابق قوانین و مقررات در صحن شورا برای نظراتی که به نفع مملکت است طرفدار جمع کنم تا به قواعد رفتاری ما تبدیل شود. یک جاهایی هم موفق نمی‌شوم و باید بگویم اطاعت نظر اکثریت را می‌پذیرم. یک جاهایی هم که نتوانم کاری را طبق اعتقادات درونی‌ام انجام دهم می‌گویم نمی‌توانم من باید صادقانه حرف بزنم.

وقتی نتوانیم صادقانه و براساس معتقدات شخصی عمل کنیم بهتر است مدتی کنار بروم و مزاحم کار بقیه نشوم. و در عین حال باید از صداقت به عنوان یک ارزش پاسداری کنم.

* بعد از استعفا نقش شما کمرنگ شد، یعنی خبرهایی که باید از زبان شما شنیده می‌شد از زبان ره پیک بیان شد. خیلی در رسانه‌ها حاضر نشدید. این نشان می‌دهد که همچنان بر استعفا خود اصرار دارید.

در بحث انتخابات من نگاه ویژه‌ای داشتم و عقیده داشتم که کار بر روی اسلوب ویژه‌ای صورت بگیرد. وقتی طبق نگاه شما کار پیش نمی‌رود و شما احساس می‌کنید که طبق مقررات باید بگونه‌ای دیگر باشد بهتر است کسی از این دفاع کند که آن را قبول دارد. بخشی از مشکلی هم که وجود داشته مسائل شخصی کم اهمیت است. دبیر شورا که سالیان سال حضور دارند در شو را و شخصیت مورد احترامی هستند در ابتدا با انتخاب اعضای جدید در شورای نگهبان خیلی موافق نبودند و با این اعضای که توسط مجلس انتخاب شدند به این اعضا خیلی روی خوشی نشان ندادند. این در انجام کار سخنگویی هم موثر بود. شاید ایشان با آقای ره پیک و دوستان دیگر انس و الفت بیشتری داشتند که باعث می‌شد مقداری برای من کار جمع‌آوری اطلاعات و انتقال آن و ارتباط با رسانه با دشواری صورت بگیرد. من سعی کردم راه را باز بگذارم که طبق سلیقه ایشان عمل شود. احترام ایشان واجب است. در امر اطلاع‌رسانی انتخابات سعی کردم خیلی مداخله نکنم در عین اینکه عقاید خودم را محترم می‌شمارم. با مسامحه تعبیری دارم به سخنگوی‌های دیگر برنخورد خودم را می‌گویم. تعبیرم این است که سخنگو یعنی بلندگو. بلندگو یعنی بوق سخنگو یعنی بوق. خب این سمت مهمی نیست که شما بوق یک مجموعه شوید. من گاهی می‌پسندم سخنگوی خودم شوم. اگر شرایط فراهم شد به نحوی ه بتوانم احساس کنم اکثریت رویه‌های جاری همان رویه‌هایی هست که می‌توانم براساس اعتقاد قلبی خودم از آنها دفاع کنم در خدمت همکاران هستم.

* تایید صلاحیت‌ها در روز خاصی باید اعلام می‌شد، ولی در همان روز اعلام شد که ممکن است نفراتی به این لیست اضافه شوند. این ناهماهنگی ناشی از چه بود؟ شورا برای نخستین بار نبود که انتخابات برگزار می‌کرد چرا در وقت قانونی نتوانست یک لیست تکمیلی بدهد و جالب اینکه بعد از آن زمان هم تعداد زیادی را وارد لیست انتخابات نکرد، این ناهماهنگی برای چه بود؟

شورا برای نخستین بار بود که با این تعداد از اعتراضات مواجه می‌شد. یعنی مقداری غافلگیرانه بود. بنابراین رسیدگی در آن بیست روز برای من از خاطرات تلخ است. خاطرات شیرین هم دارم اما این بیست روز برای من نگرانی اخروی ایجاد کرده است. وقت خیلی کم بود و شما باید به شش هزار پرونده رسیدگی می‌کردید. عده‌ای می‌گفتند ممکن است که نهادهای اطلاعاتی اشتباه کرده باشند. یک سری را به این صورت اعلام کردند اما اینکه می‌گویند این تعداد تایید صلاحیت اضافه شده پس از بیست روز زیاد نبود من هم با شما هم عقیده‌ام. اگر من عهده‌دار سازماندهی بررسی بودم می‌توانستم طوری طراحی کنم که تعداد بیشتری احقاق حق صورت بگیرد و پرونده‌هایشان دقیق‌تر رسیدگی شود. ولی هرکسی ممکن است بر کار دیگری نقد وارد کند شاید هم یک ادعا از سوی من باشد و در عمل شدنی نباشد. می‌شد یک سری از کارها را انجام داد که تعداد بیشتری پرونده را در آن ۲۰ روز دقیق‌تر ببینیم. اما گذشت و الحمدلله سپری شد و انتخابات بخوبی برگزار شد و به نظر مردم با وجود اینکه بعضی ادعا کردند داور در جاهایی به نفع گرفته خوشحال شدند که نتوانستند اراده خود را از طریق صندوق رای به منصف ظهور برسانند و این برکنی است که نظام جمهوری اسلامی فراهم کرده که با وجود تمام نواقص با این انتخابات فرصتی می‌دهم که اقلیت و اکثریت گردش داشته باشند و این گردش در کشور ما به آرامی و بدون درگیری و بحران صورت بگیرد. این تمرین را می‌کنیم و مهارت کسب می‌کنیم. شکل جدیدی از مجلس هم در این دوره ایجاد شده تمرین خوبی برای سیاستمداران ما خواهد بود که ائتلاف‌ها و همکاری‌های نو را شکل دهند. همه برکت است. هرگونه که انتخابات را اجرا کنیم در بهترین حالت هم یک ابراهیمانی پیدا می‌شود که بگوید این نقص‌ها را دارید. عیب وجود دارد همانطور که حاکم باید شهروند را ببخشد و از حقوق شهروندان این است که حاکم او را ببخشد یک جاهایی هم هست که شهروندان حاکمان را عفو کنند و اشتباهات را در نظر نگیرند.

* پارسال که در مورد رد صلاحیت‌ها صحبت کردیم شما یک پیشنهاد خیلی خوبی دادید و اینکه چهره‌های بزرگ اصلاحات

نخبه‌پروری کنند و چهره‌های جدید را معرفی کنند. امسال همین اتفاق رخ داد. از سی نفر لیست امید تهران ۲۵ نفر از چهره‌های جوان اصلاح طلب هستند و رای مردم به کل همان لیست پیامی داشت هم به جریان‌های سیاسی هم به شورای نگهبان.

این را از شورای نگهبان بپرسید. من الان در مقام یک عضو حرف می‌زنم.

* به عنوان یک حقوقدان ...

به نظرم شورای نگهبان موظف به اجرای قانون است. اسمش را هم نباید سختگیری گذاشت اما اجرای دقیق قانون در ایران منتهی به حذف سلیق سیاسی نخواهد شد اگر یک وقت سلیقه‌ای حذف شد یعنی اینکه قانون را دقیق اجرا نکردیم. همین دفعه با وجود سختگیری‌هایی که مورد ادعا واقع شده که فعلا در موردش داوری نمی‌کنم مردم توانستند لیستهای مورد علاقه خود را انتخاب کنند. باید خدا رو شکر کنیم همه خوشحال باشیم که مردم خوشحال هستند از انتخاب خود. همین. به عنوان یک حقوقدان تایید می‌کنم که نسل دومی آمده است. درست است. امر میمونی است اما یک خطر دارد. نسل دوم به عقبه خود توجه کنند. ممکن است بگویم افرادی دارای تجربه هستند ۵ نفر را به مجلس فرستادند این افراد که جوان هستند باید سعی کنند پشتوانه فکری قوی و کار حزبی و سیاسی گروهی را تجربه کنند. اگر اینگونه نشود اتفاقات تاح مجالس گذشته باز هم تکرار می‌شود. وقتی مردم چپ‌ها را به مجلس بفرستند به خواسته خود نرسند، راست‌ها را بفرستند و به خواسته خود نرسند این ممکن است جامعه را به انتخاب‌های اشتباه بکشاند. مردم هم اشتباه می‌کنند. مردم هم ممکن است لجبازی کنند. مثل یک فرد. جامعه ممکن است لجبازی کند پس نباید مردم را به انتخاب‌های بد و خطرناک وادار کنیم. همه گروه‌ها باید این احساس مسوولیت ملی را داشته باشند که از این فرصت استفاده کنند و با استفاده از تجربیات دیگران، عمل کنند البته خیلی از آدمهای با تجربه هستند چه از راست و چه از چپ متاسفم که چرا وارد انتخابات نشدند. آدمهای باتجربه‌ای بودند من آرزو داشتم که بیابند. ولی حالا که بیرون هستند این وقت و تجربه را در ایران راحت دود می‌کنیم و می‌سوزانیم. نماینده‌ای که در چند دوره مجلس بوده موفق بوده و صاحب فکر است این فرد را باید به عنوان یک سرمایه نگاه کنیم. ارتباط این جوانان باید با آنها وجود داشته باشد تا تصمیماتی پخته داشته باشند.

برد و باخت در این میدان نباید باعث شود بازنده‌ها پشت پا به برنده‌ها بزنند در مسیر کار. لجاجت‌های بچه گانه را کنار بزنیم با عنوان یک اقلیت موثر نقاد با حسن نیت طرف اکثریت را زیرنظر داشته باشیم تا آنها هم در سایه این نگاه نقادانه ما نظم بگیرند. سراغ اینکه همدیگر را نارحت کنیم و تنه به هم بزنیم نرویم و الا همه این دیوار مثل یک دومینو می‌ریزد و هیچ ثمری نخواهد داشت.

* شورا با تمام سختگیری‌ها که نسبت به تایید صلاحیت‌ها داشت اما شاهد یک بی‌اخلاقی در زمان تبلیغات بود. گروه‌هایی از لیست مورد تایید شورای نگهبان به عنوان انگلیسی یاد کردند. انتظار این بود که نهاد شورای نگهبان یا فقهای آن واکنشی داشته باشند اما این‌گونه نشد. حتی از تصمیمات خود حاضر به دفاع نشدند.

سخن‌گویی مسائل مختلفی دارد. سخن‌گو باید با جاهایی ارتباط مستمر داشته باشد. صدا و سیما نهادی است که بدنه کارشناسی و مجریان و افراد خدوم و انقلابی و با حسن نیت زیاد هستند ولی در مجموع صدا و سیما رسانه مطلوب و محبوب من نیست. من به علت ارتباط حرفه‌ای با صدا و سیما رفت و آمد دارم. و فکر می‌نم بخشی از گناه علم شدن بشقاب‌های ماهواره‌ای بر گردن صدا و سیما است. اما نخستین بار که سراغ من آمدند، به خبر نگاران گفتم که اگر قرار باشد که نصف این دوستان کاندیداها را متهم به انگلیسی بودن کنند و بگویند چون شما مورد حمایت انگلیس هستید و آنها هم بگویند انگلیس زرنگ‌تر از این حرف‌ها است که مستقیماً از کسی حمایت کند. انگلیس ۴ قرن وزارت مستعمرات داشته است. دهات‌های ما را بلد است. همه فرقه‌های دینی و مذهبی و گرایش‌های صوفی گرایانه ایران را با جزئیات را تحقیق کردند انوقت روباه پیر شاید اگر قرار باشد از یکی حمایت کند قطعاً حساسیت‌های ملت ایران را مد نظر قرار می‌دهد. ممکن است طرف مقابل بگوید این کار انگلیس حمایت از طرف از مقابل بوده است. این کار انگلیس که ما را در لیست برتر مورد علاقه خود نشان داده چون روحیات ملت ایران را می‌داند می‌خواسته آن یکی را جلو بگذارد. اگر هر دو طرف اینگونه استدلال کنند چه اتفاقی می‌افتد. بالاخره نتیجه می‌گیرند که نصف این مجموعه انگلیسی است. خیلی بد است یعنی اینقدر انگلیس در ایران اقتدار دارد که این مملکت با وجود شورای نگهبان و وزارت کشور نصف داوطلبان انگلیسی از آب در بیابند؟ اسم این را من هم جز بی‌اخلاقی چیز دیگری نمی‌گذارم و ان شاء الله که همه ما که سردمدار اخلاق و التزام عملی به اسلام هستیم باید رفتارهای خود را مورد بررسی قرار دهیم. بله باید مواظب نفوذ باشیم و حتماً بیگانگان سعی می‌کنند کسانی را حتی در بین نخبگان سیاسی داشته باشند و احتمالاً دارند اما این احتمال باعث نمی‌شود رفتارهای عادی خود را کنار بگذاریم و بگویم چون ممکن است یک نفر در صد نفر عامل بیگانه باشد یا متاثر از تفکرات بیگانه ما یک گروهی را متهم کنیم به اینکه بیگانه پرستید یا عوامل نفوذی بیگانه هستید. من به نفوذ و توطئه اعتقاد دارم آن را توهم نمی‌دانم اما رفتاری که در برابر نفوذ باید داشته باشیم این است که شما هم کیاست بخرج دهید. دستگاه‌های اطلاعاتی دقیق کار کنند و به مردم هشیاری بدهند بدون اینکه کسی را مستقیم یا غیر مستقیم با تعریض متهم و محکوم به انگلیسی بودن کنیم. در ایران اتهام به انگلیسی بودن مهم‌ترین ناسزایی است که ممکن است به کسی بگویم. ما در انتخابات حق نداریم به کسی ناسزا بگویم. من هم متاسفم. چتر یکی از جریان‌های سیاسی ما بسیار گسترده است. عیب ندارد. ممکن است بگویند ما با جذب حداکثری می‌خواهیم مردم ایران را غیر خودی تلقی نکنیم بیشترشان را به زندگی سیاسی وارد کنیم. اما حواسمان باشد در این گروه بزرگی که راه انداختیم هر چند وقت یک‌بار بر خطوط قرمز خود تاکید کنیم. ما باید مخالفان کوچک را به طرفداران نظام اسلامی تبدیل کنیم. نه اینکه هرکدام را در همان وضعیت نگه داریم و مجموعه‌ای از اعتقادات را بدون ارائه مانیفستی رو شن کنار هم انبار یا با هم مخلوط کنیم. در همه جناح‌ها از جمله اصلاحات انسان‌های فرهیخته و متدین و جانبازان جنگ و جهاد و دلسوز مملکت حضور دارند آن آدمها باید شعارهای اصلی را که استحکام بخش پایه‌های نظام اسلامی است را هر چند وقت یک‌بار تقویت و تکرار کنند و حالا که چتری گسترده دارند این شعارها را تبدیل به باور برای طرفداران کنند. این امکان که در گروه آنها نفوذی باشد وجود دارد. اما این خطر هزینه بالایی است که برای

جذب حداکثری باید پرداخت شود. ممکن است کسانی باشند که حکومت دینی را زیر سوال ببرند یا در اثر هیجان ناشی از پیروزی به حواشی بپردازند. یک مقدار از این جو زدگی در همه جناح‌ها خصوصا در اصلاحات جلوگیری کنیم. اسلام، صلوات، تکبیر، تسبیح، بسبج و... فقط برای یک جناح در این کشور نیست. اصلاح‌طلبان هم نباید اجازه دهند مظاهر تدین و تشیع توسط یک جناح مصادره شود. آنها باید تقویت‌کننده و مدعی این ارزش‌ها باشند من در جمعی بودم که دوستان شروع به دست زدن کردند. دست زدن که خلاف شرع نیست عیب ندارد. جایی هم که دو نفر خارجی نشستند ما نمی‌توانیم صلوات وا [ا] کبر سر دهیم. اما وقتی یک عادت خوبی را بعد از انقلاب و امام پیدا کردیم و اینکه یک شخصیتی را ببینیم صلوات بفرستیم این را نباید منحصر به گروه ویژه شود. این ظواهر کم اهمیت تا ارزش‌ها ی عمیق‌تر برای اصلاح‌طلبان هم هست. حال که هست آن را فریاد بزنند تا به مسلمات طرفدارانشان تبدیل شود. ظواهر دینی و شعارهای دینی و محکمت انقلاب را باید به صورت پررنگ در تمام جناح‌های سیاسی ببینیم. متدین سنتی ما به ژست‌های غربی حساس هستند حق هم دارند ما از این راه گزیده ایم. ما می‌دانیم دین ما به ظاهر و کلام و شعارها حساس است. لذا کلام سیاسی ما قلم سیاسی ما و لباس و شعار سیاسی ما هرچقدر نزدیک به دشمنان ما نباشد و به صورت صریح‌تری نزدیک به شعارهای شیعی و انقلابی ما باشد موفقیت بیشتری داریم و عاقبت بهتری در انتظار ما خواهد بود اگر هم قرار است اصلاح کنیم به معنای واقعی باید از این راه اصلاح کنیم. کار را به دست عقلا بدهیم. در بین اصلاح‌طلبان، اصلاح‌طلب اصولگرا و بین اصولگرایان، اصولگرای اصلاح‌طلب وجود دارد. اجازه ندهیم کسانی که حاشیه‌سازی می‌کنند کار را از دست عقلا در بیاورند. یک نوع عوام‌گرایی مذموم توأم با ماجراجویی نباید دامن خبیگان ما را بگیرد.

* مجلس خبرگان پنجم حواشی کمتری از مجلس دهم نداشت. این حواشی از همان زمان شروع شد. شاید بتوان دلیل این تصمیم‌گیری را حضور چهره‌های معروف سیاسی از روحانیون تهران دانست. در بحث آزمون شاید خیلی متفاوت با کاندیداها برخورد شد. در همین خبرگان کسانی بودند که بدون آزمون وارد انتخابات شدند. اما سید حسن خمینی مستثنا شد و شورا تاکید داشت که به دلیل عدم شرکت در آزمون صلاحیت علمی ایشان تایید نشده است. این تبعیضات چگونه توجیه‌پذیر است؟

در مورد شیوه ارزیابی صلاحیت توسط شش عضو فقیه من اطلاعات کاملی ندارم. تا زمانی که اطلاعیه دادند و با توضیحاتی که آقای مومن به من دادند بطور مستمر گفتم قاعده کلی آزمون است. اما فقها نمی‌خواهند آزمون دلیل منحصر باشد. برای همین هم گفتم که اصولا کسی که در آزمون شرکت نکرده فرصت احراز صلاحیت را از دست داده است. اصولا را به همین جهت می‌گفتم که آیت [ا] مومن تاکید داشتند که اختیار فقها با آزمون هم وجود دارد و سلب نمی‌شود. آیا پذیرش بدون آزمون هم قواعدی داشت و قواعد چه بود اطلاعی ندارم.

* این تفاوت را قبول دارید؟

اگر به همه بگویند شما در آزمون شرکت نکردید اما رزومه را به ما بدهید. از همه بگیرند و بگویند این چند نفر رزومه علمی شان توجه ما را جلب نکرد. اما ده نفر خوبند پس آنها را بپذیریم اتفاقا عادلانه است. اما اگر بگویم سه نفر را می‌دانیم که خوب هستند اینجا باید اعتراض کرد که قاعده واحدی برای همه استفاده نکردیم. لذا نمی‌دانم این قسمت به چه ترتیبی صورت گرفته است. از سخنگوی هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات خبرگان کسب اطلاع فرمایید

* نظارت استصوابی در احراز صلاحیت‌های خبرگان یکی از مباحثی بوده که از سوی شما مطرح شده است.

نظارت استصوابی بر خبرگان را قانون مقرر کرده هم قانون اساسی و هم تفسیر آن و هم قانون نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان. تبصره ۴ ماده ۱۶ آیین نامه انتخابات خبرگان مقرر کرده احراز صلاحیت داوطلبان بوسیله شورای نگهبان مانع نظارت استصوابی عام شورا نگهبان نیست. این فقط یک تئوری نیست قانون است .

* پیام رای مردم در انتخابات مجلس خبرگان رهبری چه بود؟ دو تن از اعضای فقیه در تهران رای لازم را کسب نکردند.

باید به رای مردم احترام بگذاریم. خوشحال باشیم که مردم فرصت این را دارند که به هرکس که دوست دارند رای می‌دهند و به هر کس دوست ندارند رای نمی‌دهند. من از اینکه مردم حقوق قانونی خود را اعمال کردند خوشحال هستم. همین هم در انتخابات مهم است. اشخاص مهم نیستند. برای من هم خیلی مهم نیست. اینکه کدام از تاییدشدگان شورای نگهبان انتخاب می‌شوند شخصی است. هرکدام را که مردم انتخاب کردند باید تشکر کرد.

* علت تعلل در شمارش آرا چه بود؟

من هم دارم تحقیق می‌کنم. درخواست خواهیم کرد تا علت این تعلل و جابه‌جایی رتبه‌ها معلوم شود. وزارت کشور یا شورای نگهبان یا هر دو سبب آن هستند یا خیر اطلاعی ندارم. اگر مقصر وزارت کشور است باید بررسی شود و اگر شورای نگهبان است آن هم باید بررسی شود. باید خیلی زودتر اعلام می‌شد.

* به عنوان سخنگو باقی خواهید ماند؟

باید ببینیم آینده چه می‌شود. خیلی علاقه‌ای به این کار ندارم. حالا که انتخابات تمام شده سخنگو خیلی نقش موثری نخواهد داشت.

